

جنگ امریکا ورژیم یهود علیه ایران و راهی به سوی آرماگدون

(ترجمه)

این جنگی است "مقدس"؛ جنگی که آنان باور دارند خدا در آن از ایشان حمایت می‌کند تا "کفار" را از میان بردارند، به‌عنوان مقدمه‌ای برای روز قیامت؛ روزی که بنا بر باورشان، ناگزیر باید پیش از آن نبرد آرماگدون (نبرد آخرالزمان) رخ دهد. چنین سخنانی را فرماندهان نظامی آنان در برابر سربازان‌شان در داخل پادگان‌هایی که در آن گردآورده شده‌اند، ایراد می‌نمایند و آیاتی -حاوی چنین سخنانی- را از آنچه خود "کتاب مقدس مسیحیان" می‌نامند نیز برای آنان می‌خوانند. این رویدادها تنها به یک مورد محدود نبوده، بلکه در بیش از پنجاه پادگان نظامی در امریکا تکرار شده است؛ جایی که به سربازان القا شده که این جنگ بخشی از "نقشه‌ای است که از جانب خدا طرح شده است" و تحقق پیشگویی‌های "سفر الرؤیا" (کتاب مکاشفه یوحنا) است و اینکه ترامپ از سوی عیسی برگزیده شده تا رهبری این نبرد مقدس را بر عهده گیرد. در مستنداتی که "مؤسسه آزادی دینی نظامی امریکا" گردآوری کرده، ده‌ها شهادت از سربازان و افسران ثبت شده است که از گسترش خطابه‌های دینی افراطی در داخل واحدهای نظامی خود شکایت دارند.

این گرایش، نه پدیده‌ای معزول و حاشیوی است و نه به قشر محدودی یا اشخاص گمنام محدود می‌شود؛ بلکه در مقیاس‌هایی وسیع و در لایه‌های مختلف جامعه در امریکا در حال شکل‌گیری و گسترش است. چنان‌که علیه وزارت کار امریکا دعوایی اقامه شده است؛ چون وزیر این نهاد، لوری چاوز، گردهمایی‌های ماهانه دعا را با الهام از "هیغسیث" (الگوی خاص گردهمایی‌های مذهبی انجیلی) میزبانی می‌کند. همچنین لیندسی گراهام، سیاستمدار امریکایی و عضو کانگرس، چند روز پیش از حمله به ایران اظهاراتی را بیان داشته بود: "ما در آستانه دگرگون‌سازی کامل خاورمیانه برای هزار سال قرار داریم"؛ که مراد او از این سخن، بازگشت مسیح پس از نبرد قیامت است.

در گفت‌وگویی رسانه‌ای که تاکر کارلسون، ژورنالیست محافظه‌کار امریکایی، انجام داد و روز جمعه ۲۰ فروری پخش شد، مایک هاگابی سفیر امریکا در اسرائیل، مدعی شد که یهود "حق توراتی" در سرزمینی دارند که از نیل تا فرات امتداد می‌یابد. او در پاسخ به پرسشی درباره "سند مالکیت اصلی" در "سفر التکوین" (کتاب پیدایش در عهد عتیق) افزود: «هیچ مانعی ندارد اگر تمام آن سرزمین را در اختیار بگیرند».

همچنان تأثیر مجموعه رمان‌های مشهور «Left Behind» «بازماندگان» نیز در شکل‌دهی به "ذهنیت سازی و تخیلات دینی انجیلی امریکایی" درباره رژیم یهود، جنگ و پایان جهان به‌گونه جدی برجسته می‌شود؛ مجموعه‌ای که بیش از ۶۵ میلیون نسخه از آن به فروش رسیده است.

در یک نظرسنجی که "مرکز پژوهشی پیو" در نوامبر ۲۰۲۲ م انجام داد، مشخص شد که ۳۹ درصد از بزرگسالان امریکایی باور دارند که بشریت در "آخرالزمان" به سر می‌برد؛ این رقم در میان پروتستان‌های انجیلی سفیدپوست به ۶۳ درصد افزایش می‌یابد (الجزیره، ۲۰۲۶/۳/۴ م). همچنان بر بنیاد گزارش خبرگزاری "رویترز" در تاریخ ۲۶/۰۳/۱۱ م، آندی اوچلز، نماینده جمهوری خواه امریکایی، لحن اظهارات خود را تندتر ساخته و چنین تصریح کرد: «هیچ جایی برای مسلمانان در جامعه امریکایی وجود ندارد».

همانطور که نتنیا هو در شام روز شنبه ۲۶/۰۳/۱۴ م در یک کنفرانس خبری چنین گفت: «من فکر می‌کنم همه ما آگاه هستیم که در نهایت به "الملکوت" (پادشاهی الهی) خواهیم رسید، و به مرحله‌ای خواهیم رسید که زمینه‌سازی برای بازگشت مسیح تحقق می‌یابد،

و می‌توانیم به واسطه این قدرت عظیم—هم روحی و هم جسمی—آینده خود را تضمین کنیم». او تصریح کرد که درگیری جاری، "جنگ قیامت" است که به ترسیم جدید سیمای خاورمیانه خواهد انجامید.

آن‌که رهبری این حمله علیه اسلام را بر عهده دارد، نه یک نویسنده مطبوعاتی است، نه یک متفکر استراتژیک و نه یک سیاستمدار گمنام؛ بلکه وزیر جنگ امریکا است؛ کسی که بدنش آکنده از خالکوبی‌هایی است که شعارهای جنگ‌های صلیبی را بازتاب می‌دهد، و کتاب‌هایی تألیف کرده که از آن‌ها بوی آشکار نفرت نسبت به اسلام و مسلمانان به مشام می‌رسد. در ادامه، بخشی از نوشته‌ها و اظهارات او را می‌آوریم که این خصوصیت را به‌گونه روشن برجسته می‌سازد.

یغسیث، اسلام را به‌گونه صریح چنین توصیف می‌کند: «اسلام دین صلح نیست و هرگز هم نبوده است». این سخن را در کتاب خود با عنوان "صلیبیت جدید" مطرح کرده است. او در کتاب دیگرش "حمله صلیبی امریکایی" بر این باور است که امریکا اکنون در حالی از روحیه صلیبیت به سر می‌برد که به جنگ‌های دینی قرن یازدهم شباهت دارد. در عین حال نسبت به آنچه "خطر اسلام‌گرایان" می‌نامد، هشدار می‌دهد؛ کسانی که به‌زعم او در پی شکل‌دهی دوباره جوامع و حکومت‌ها بر مبنای دین هستند. در بخش دیگری از همین کتاب، هیغسیث موضعی سخت‌گیرانه‌تر در قبال اسلام اتخاذ کرده و می‌گوید: «هرچه امریکایی‌ها بیشتر در این توهم باقی بمانند که اسلام دین صلح است؛ به‌ویژه با توجه به تغییرات جمعیتی در اروپا و ایالات متحده مأموریت ما دشوارتر می‌شود». او در اظهارنظری دیگر نیز تصریح کرده است: «نظام‌هایی که به اوهام نبوی اسلامی باور دارند، نمی‌توانند به سلاح‌های هسته‌ای دست یابند». همچنین در یک کنفرانس خبری مؤرخ ۲۰/۰۳/۲۰۲۰م، وی آشکارا اظهار داشت: «امریکا در حال حاضر با دشمن اسلامی در حال جنگ است؛ چه سنی باشد و چه شیعه...» و این نمونه اندک از خروار اوست.

ترامپ نیز از این گرایش بدور نیست؛ او همان کسی است که وزیر جنگی را با رویکردهای شدیداً خصمانه و افراطی نسبت به اسلام - در سطح وسیعی مشهور به این خصوصیت- منصوب کرده است. چنان‌که پیش‌تر خود ترامپ به صراحت بیان داشت: «اسلام از ما نفرت دارد».

در چارچوب باور آنان، "نبرد آرماگدون" (نبرد آخرالزمان) یا "جنگ قیامت"، جنگی است که قرار است علیه یهود رخ دهد؛ جنگی که در آن "کفار" -که به‌زعم آنان، بی‌تردید ما هستیم- کشته می‌شوند، مسجد الاقصی ویران می‌گردد و "الهیکل" (معبد منسوب به سلیمان علیه السلام) بر ویرانه‌های آن بنا می‌شود؛ آنگاه زمینه برای بازگشت مسیح فراهم می‌گردد تا به مدت هزار سال، با عدالت مطلق بر جهان حکم براند. با وجود آن‌که در داخل و خارج از امریکا صداهایی در مخالفت با این گرایش بلند شده است و حتی برخی اصل این جنگ را به دلیل تعارض با قانون بین‌المللی مردود می‌دانند؛ اما این مخالفت‌ها تغییری در واقعیت ایجاد نکرده است؛ جنگ همچنان شعله‌ور است و تهدید بالفعل و بالقوه همچنان پابرجا است.

بلی، این جنگ اهداف سیاسی خود را در دو بُعد بین‌المللی و منطقه‌ای دنبال می‌کند. این جنگ راه‌اندازی شده است تا اولاً قدرت ایران را درهم بشکنند و آن را به‌گونه کامل در برابر نفوذ امریکا تسلیم سازد؛ امری که به تقویت نفوذ امریکا در خاورمیانه می‌انجامد و در نتیجه، زمینه تسلط بر نفت منطقه را فراهم می‌سازد؛ موضوعی که به نوبه خود اجرای طرح سلطه بر جهان را تسهیل می‌کند. همچنین هدف دیگر، توانمندسازی رژیم یهود برای سیطره بر منطقه به‌عنوان "پولیس امریکا" است. این امر به‌خودی‌خود یک خطر استعمارگرانه است که ایستادگی در برابر آن را ضروری می‌سازد. اما آنچه ناشناخته به نظر می‌رسد، برافراشته شدن "پرچم لاهوت" (الهیات) به‌عنوان یکی از عناوین این جنگ است -جنگی که برخی تحلیل‌ها آن را جنگی صلیبی توصیف کرده‌اند.

این چهره آشکار خصمانه نسبت به اسلام - که این جنگ به آن متصف شده - احساسات هدف‌گرفتن عقیده را در میان مسلمانان به‌گونه‌ای جدی برانگیخته است؛ امری که صف‌آرایی برای دفاع از آن را ایجاب می‌کند. پنهان‌شدن در پشت این حکام، نه مهاجمی را دفع می‌کند و نه ذمه‌ای را بری می‌سازد.

از همین‌رو، بر رهبران نظامی-به‌ویژه آنان که در منطقه و پیرامون آن قرار دارند- به‌عنوان خط‌نخست دفاع از این امت و عقیده‌اش، لازم است که مسئولیت خویش را بر عهده گیرند و ابتکار عمل را در دست بگیرند. این از رهگذر جایگزین‌سازی این نظام‌ها با نظامی تحقق می‌یابد که پراکندگی و تفرقه سیاسی امت را سامان دهد، تلاش‌های آن را یکپارچه و متحد سازد و همه ظرفیت‌هایش را در راه دفاع از عقیده و مقدساتش به‌کار گیرد؛ نظامی که به‌وسیله آن، عقیده آرمادگدون (نبرد آخرالزمان) از بین خواهد رفت. چنان‌چه الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

﴿لِيُثَلِّ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ﴾

ترجمه: پس باید که برای چنین کاری، کارکنندگان به تلاش برخیزند.

برگرفته شده از جریده الرایه

مترجم: محمد علی مطمئن